روزنه

چپ یونانی به دنبال نقشی جدید

محمود فاضلی

■ با شـدت یافتن اعتصابات اخیـر بخش‌های مختلف اجتماعی در یونان در روزهای ۱۹ و ۲۰ اکتبر در اعتراض به سیاست‌های ریاضتی دولت سوسیالیست که به دعوت اتحادیه‌های کارگری و کارمندی این کشور صورت گرفت و گفته می‌شـود یکی از بزرگ‌ترین اعتصاب چند سـال گذشته محسوب می‌شود این نظریه در محافل سیاسی این کشور و اتحادیه اروپا مطرح است که مخالفت‌های داخلی با طرح تدابیر ریاضتی جدید دولت این کشور تا چه زمانی ادامه خواهد یافت. ادامه این مخالفت‌ها در حالی است که طرح ریاضت اقتصادی با ۱۵۴ رأی مثبت نمایندگان حزب سوسیالیسـت و ۱۴۵ رأی منفی سایر احزاب به تصویب پارلمان این کشـور رسید. بر اساس طرح جدید به دولت حاکم اجازه داده می‌شـود تعداد ۳۰ هزار تن از کارکنان خود را اخـراج کند و مالیات‌ها را افزایش دهد و حقوق و مزایای کارکنان را کاهش دهد و فروش یا واگذاری اموال و شـرکت‌های دولتی به بخش خصوصی را تسهیل کند. اتحادیـه اروپا، بانک جهانـی و صندوق بین‌المللی پول از دولت یونان خواسـته‌اند با طرح تشدید سیاست ریاضت اقتصادی، راه دریافت مرحله ششم از کل وام ۱۱۰میلیارد یورویی به میزان هشت‌میلیارد یورو را هموار کند. نهادهای یادشـده اعطـای وام جدیـد ۱۰۹میلیارد یورویـی را به کاهش کسـری بودجه دولت این کشور مشروط کرده‌اند. قرار اسـت چگونگی اجرا و جزییات این لایحه که شامل افزایش مالیات‌ها و کاهش بیشتر دستمزدهاست، مجددا به رأی‌گیری گذاشته شود.

دولت سوسیالیسـت بـرای آنکه بتوانـد از وام‌های هشت‌میلیارد یورویی اروپا بهره‌مند شود، باید طرح ریاضت اقتصادی را اجرا کند. بر اساس این طرح آتن ۱۱۰میلیارد یورو وام اتحادیه را در قالب وجوه هشـت‌میلیارد یورویی دریافـت می‌کنـد. اما بـرای دریافـت این مبالـغ باید سیاسـت‌هایی را برای کاهش کسری بودجه خود و حل بحران بدهی‌هایش اجرا کند. آتن در نظر دارد با تصویب طرح تشـدید ریاضت اقتصادی برای مدت دو سال دیگر علاوه بر دریافت قسـط ششـم و آخرین مرحلـه از وام ۱۱۰میلیارد یورویی، نسـبت به دریافت وام ۱۰۹میلیارد یورویی دیگـر از اتحادیه اروپا، بانـک جهانی و صندوق بین‌المللـی اقدام کند. به‌دنبال حـوادث اخیر پایتخت و درگیـری میان مخالفان طرح ریاضت اقتصادی با پلیس این کشور این گمانه‌زنی که احزاب چپگرای یونان نقش مهمی در حوادث اخیر داشته‌اند، مورد توجه کارشناسان داخلی قرار گرفته اسـت. به‌نظر می‌رسـد حمله اخیر به دفتـر حزب چپ یونان (KKE) در شـهر آتن که گفته می‌شـود از سـوی تعدادی از جوانان ناشناس و با بمب دست‌سـاز (کوکتل‌مولوتف) صورت گرفته اسـت، نوعی اقدام تلافی‌جویانه علیه این حزب محسـوب می‌شـود. همزمـان با حمله فوق یک پایگاه پلیس شـهر آتن نیز با بمب دست‌سـاز مورد حمله قـرار گرفت. حزب چپ یونـان در بیانیه‌ای ضمن محکوم کـردن حمله به دفتر این حزب، این‌گونه اقدامات را از قبل طراحی‌شـده کند دانست و تاکید کرد «این‌گونه اقدامات مانع ادامه مبارزه حزب چپ نخواهند شد.» این حزب ضمن انتقاد شدید از دولت و سیاسـت اقتصادی‌اش در ایجاد تشنج که آن را ناشـی از پیروی از نظام سـرمایه‌داری می‌داند، مدعی اسـت «بعضی از احزاب سیاسی وابسته به سرمایه‌داران عامل ایجاد تشـنج در جامعه هستند ولی ما به مبارزات خود با آرامش علیه نظام سرمایه‌داری و حمایت از طبقه کم‌درآمد ادامه خواهیـم داد.» در حوادث اخیر و پس از حمله افراد ناشناس و نقابدار به صفوف تظاهرات‌کنندگان و مداخله پلیس برای متفرق کردن آنان، یکی از اعضای کارگر این حزب کشـته شـد؛ اقدامی که با محکومیت روسای سایر احزاب این کشور روبه‌رو شد. هواداران احزاب چپ مدعی‌اند در حمایت مردم یونان در اعتراض به بحران ورشکستگی بانک‌ها، کاهش دسـتمزد و در مخالفت با افزایش مالیات‌های اجباری، بـه فعالیت‌های خود ادامه خواهنـد داد. خانم پاپاریگا، دبیرکل حزب کمونیسـت یونان (حزب سـوم پارلمان با ۲۱ کرسی) طی سخنانی در پارلمان این کشـور حمله علیه سندیکای وابسته به این حزب را از پیش طراحی‌شـده دانست. از دیدگاه وی دستگاه امنیتی دولتی در حمله علیه اعضای سندیکای حزب کمونیست دست داشـته‌اند. حزب همچنین ادعا می‌کند، دو نفر از اعضای گروه آنارشیسـتی که در دست کمونیست‌ها افتادند، کارت پلیس را همراه خود داشته‌اند. وی با اشاره به حضور چشمگیر مردم در اعتراضات اخیر معتقد است از این پس این مردم هستند که آینده کشور را رقم خواهند زد و مردم تا رسیدن به پیروزی نهایی باید بدون ترس مسیری را که آغاز کرده‌اند، ادامه دهند. حزب چپ یونان که در سـال ۱۹۱۸ تاسیس شد مدعی است برای مشـکل کنونی یونان فقط یک راه‌حل وجود دارد؛ خروج از اتحادیه اروپا و حذف تمامی مبالغ بدهی کشور؛ شعارهایی که در دهه‌های اخیر در صدر خواسته‌های این حزب قرار گرفته است. از سوی دیگر رییس حزب ائتلاف چپ یونان (حزب پنجم پارلمان) که هم‌اکنون ۱۳ نماینده در پارلمان ۳۰۰ نفره این کشور در اختیار دارد و به عنوان یک حزب چپ اروپایی شـناخته می‌شـود، مدعی است «۱۱میلیون یونانی با طرح ریاضت اقتصادی دولت مخالف بوده و از سیاست‌های اقتصادی دولت سوسیالیست انتقاد می‌کننـد و فقط ۱۵۴ نماینـده حزب حاکـم (از ۱۶۰ نماینده) به این طرح رأی مثبت داده‌اند.» البته در روزهای اخیر درگیری‌هایی میان آنارشیست‌ها یونانی و هواداران احزاب چپ نیز گزارش شده است. احزاب کوچک‌تر چپ یونان معتقدند از نظر سیاسی عملکرد حزب کمونیست یونان قابل دفاع نیسـت و تشکیل دیوار انسانی در مقابل پارلمان از سوی اعضای احزاب چپ و ستایش از پارلمان به عنوان نهاد مشروع تصمیم‌گیری برای طبقه کارگر و در روزی که این نهاد به‌دنبال تصویب سیاست‌های ریاضت اقتصادی بود، مورد انتقاد جدی است.

رییس کمیسیون حقوق بشر سنای ایتالیا در گفت‌وگو با «شرق»:

باید با معیارهای دوگانه غرب مبارزه کنیم

فردین صناعی/ حسین مقدس

ادامه از صفحه اول

◄ مـن در خیابان و کافه بـا مردم صحبت می‌کردم با کسانی که از جنوب کشور آمده بودند و در شـمال زندگـی می‌کنند. آنها از نبود شایسته‌سـالاری در کشـور خود در رنج بودند و به من گفتند اگر مثلا قرار باشـد وامی داده شود، مدارک و اسنادی که یک جنوبی باید ارایه دهد به مراتب بیشتر و سخت‌تر از مدارکی است که یک شمالی باید ارایه دهد؛ آیا شما چنین مساله‌ای را تایید می‌کنید؟

نه، مـن فکر می‌کنم باید این قضیـه را از هم تمییز بدهیم. جنوب توسعه‌ای متفاوت از شمال داشته و از ثروت کمتری برخوردار بوده اسـت. البته ما مناطق و گروه‌های فقیر هم در شمال و هم در جنوب ایتالیا داریم اما به‌طور کلی شـمال ایتالیا از وضعیت اقتصادی و ثروت بیشتری برخوردار اسـت. در گذشته ایتالیا برای بیش از صد سال کشوری بود مهاجرفرست. میلیون‌ها میلیون ایتالیایی به کشورهای دیگر از جمله انگلیس، آلمان، فرانسه، آمریکا و... برای فرار از گرسـنگی و فقر مهاجرت کردند و پس از آن نیز ما شاهد نوع جدیدی از مهاجرت بودیم؛ مهاجرت میلیون‌ها جنوبی به شمال. من یک مثال از شهر تورین برای شما می‌زنم. به‌عنوان سومین شهر مهم ایتالیا، هزاران هزار جنوبی به این شـهر آمدند برای کار در کارخانه‌های بزرگ، مثلا ما در فیات بیش از ۱۲ هزار کارگر داریم. این مهاجرت‌ها -حتی امروز- مشکلاتی می‌تواند درست کند اما در شهری مثل تورین این موضوعات حل شد و اکنون در ایتالیا ما تفاوتی برای کسـی که در ناپل، سیسـیل یا میلان به دنیا می‌آید قایل نمی‌شویم. مثلا جمعیت شهرک «سـتیمو» در کنار تورین که قبلا دو هزار نفر بود بر اثر همیـن مهاجرت به بیش از ۴۵ هزار نفر رسـیده و هیچ مشـکلی وجود ندارد. اگر این مشکلات وجود داشت که این‌همه افراد نمی‌آمدند و به‌راحتی خانه نمی‌خریدند.

◄ یعنی منکر وجود تبعیض و تفاوت بین شمالی‌ها و جنوبی‌ها می‌شوید؟

من منکر این مشکل بین شمال و جنوب نیستم. این قضیه در جای خودش باقی است اما روی این قضیه تاکید می‌کنم که اگر یک شمالی و جنوبی وارد یک نهاد دولتی شوند با آنها برخورد یکسان می‌شود. بسیاری از آنهایی که مثلا اکنون در ادارات تورین کار می‌کنند یا خود جنوبی‌اند یا والدین‌شان جنوبی هستند.

◄ پـس شـما ایتالیا را یـک جامعه شایسته‌سـالار می‌دانید؟

در قانـون اساسـی ایتالیا همـه شـهروندان در برابر قانون برابرند؛ فارغ از جنسیت، مذهب و نژاد. قانون برای کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها حتی شیعیان، سنی‌ها و... یکسان است. ما اینجا به گونه‌ای به آنها برخورد می‌کنیم که مثلا وقتی تقاضای وام می‌کنند کسی از آنها نمی‌پرسد مذهب شما چیست و از کجا آمده‌اید؟ البته یک‌سری تفاوت‌هایی بین شهروند ایتالیایی و غیرایتالیایی وجود دارد اما حقوق شهروندی همه یکسان است.

◄ در ایتالیا شاهد پدیده فرار مغزها هستیم اولا آیا شما این موضوع را تایید می‌کنید؟ و اینکه برخی‌ها این موضوع را نشانه‌ای بر نبود شایسته‌سالاری در جامعه ایتالیامی‌دانند.

بله، در ایتالیا مشـکلی بسـیار جـدی در این زمینه داریـم که به‌ویژه درخصوص قشـر جوان جامعه اسـت. ایتالیا کشـوری است که با مشکل اقتصادی مواجه است و رشـد منفی را تجربه کرده است. وضعیـت کاری وضعیـت پایدار و ثابتی نبوده و برای همین خیلی‌ها به امید یافتن فرصت شغلی از ایتالیا خارج می‌شوند. طبیعتا کسانی که از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند و از امکانـات و منابـع اطلاعاتـی به‌روزتری بهـره می‌گیرند از ایتالیا مهاجرت می‌کنند. معمولا کسانی که باهوش‌ترنـد و می‌توانند خود را به سطوح بالاتری برسانند اقدام به مهاجرت‌می‌کنند.

اکنون پسـر من در همین شهر کار پیدا کرده و مشغول به کار است اما خیلی از فرزندان دوستان من در فرانسـه، آمریکا و... کار می‌کنند. اما این مهاجرتی نیست که کارگر بفرستیم بلکه اکنون محقق و مهندس و تحصیلکرده‌ها را به کشورهای دیگر می‌فرستیم.

اینها مسـایل اقتصادی و اجتماعی است و من قبول دارم که ایتالیا مشکلات بسیار زیادی دارد اما این موضوع در چارچوب حقوق بشر جای نمی‌گیرد. حقوق بشر بیشتر درخصوص مقام و منزلت افراد صحبت می‌کند.

ما معتقدیم حتی بدترین قاتلان که شنیع‌ترین اعمال را مرتکب شده باشند نباید شکنجه شوند. گرچه قایل به این موضوع هم هستم که اگر کسی فکر کند برای تمامی وضعیت‌های متفاوت موجود احکام و قوانین یکسان باید در نظر گرفته شـود بی‌شک این خود یک ایده انتزاعی و دور از تحقق است. اما مسایل حایز اهمیت‌تری هم هستند که ارزش‌های همگانی یا «یونیورسال»- جهانی- دارند.

◄ به شکسـت‌ها و پیروزی‌های برلوسـکنی اشاره کردید. در آخرین همه‌پرسـی که برگزار شـد، دولت دو طرح را به رفراندوم گذاشـت و از آن جمله افزایش رآکتورهـای هسـته‌ای، مـردم مشـارکت بالایی در انتخابـات داشـتند و به طرح‌های دولت برلوسـکنی نه گفتنـد. در آن زمان برخی رسـانه‌ها این رویداد را الهام‌گرفته از انقلاب مصری‌ها عنوان کردند، شما این نظر را قبول دارید؟

به نظر من اساسا این قضیه از فاجعه‌ای که در ژاپن رخ داد شروع شد. این فشار از ژاپن به ایتالیا رسید. ژاپن جایی بود که در زمینه تکنولوژی بسیار پیشرفته‌تر از ایتالیاست ولی با وجـود این می‌بینیم آن اتفاقی که در رآکتورهای اتمی ژاپن روی داد موجب شـد خیلی‌ها به این مسـاله حساسیت نشـان دهند و از این موضوع نگران شوند که به‌رغم پیشرفت‌های تکنولوژیک نمی‌توان از وقوع چنین حوادثی در امان ماند. برای همین در این قضیه طرح دولت کاملا شکست خورد.

◄ بیایید با هم برویم به سرزمین‌های مقدس، دولت ایتالیا همراه دولت آلمان کشورهای اروپایی بودند که با درخواست فلسطینی‌ها در سـازمان ملل مخالفت کردند. بسیاری از دولت‌های اروپایی اما از درخواست محمـود عباس حمایت کردند؛ علـت مخالفت دولت ایتالیا چه بود؟

زمانی که محمود عباس در سـازمان ملل سخنرانی داشت من آنجا بودم. به پا خاستم و برای او دست زدم. این را گفتم که ببینیم یک موضع در کشور وجود ندارد. این قضیه به هر صورت قضیه‌ای اسـت که جزو سیاست‌های خارجی دولت ایتالیاسـت. سیاستی که من فکر می‌کنم اشـتباه و بیشتر راستگرایانه است و در اروپا هم چندان با اقبال روبه‌رو نیست.

دولـت ایتالیا تحـت تاثیر اسـراییل بـوده، نه فقط اسراییل، که تحت تاثیر جناح راست اسراییل بوده است. زیرا می‌دانیم در اسـراییل نیز تنها یک گروه وجود ندارد؛ هم گروه‌هایی اسـت که از صلح اسـتقبال می‌کنند هم گروه‌هایی که با صلح مخالفـت می‌کنند. به‌هرحال این قضیه قابل بررسی است و بسیار بد است که دولت ایتالیا با جناح راست اسراییل همراهی می‌کند.

◄ می‌خواهم نظر شـخصی شما و نه دولت را در این زمینه بدانـم؛ اینکه جهانیان شـاهد بودند در زمینه سـودان جنوبی دولت‌های غربی به‌سرعت وارد عمل شدند و از تعیین حق سرنوشت مردم سودان جنوبی صحبت کردند اما چرا در غرب درخصوص فلسـطین اراده‌ای محکم برای برپایی کشـور فلسـطینی وجود ندارد؟

درباره سودان جنوبی باید خیلی دقیق باشیم چون تا امروز نمی‌دانیم چـه اتفاقی خواهد افتاد. اما اینکه موفق شدیم تا امروز یک راه‌حل صلح‌جویانه از طریق رفراندوم بیابیم و با یک توافق سیاسـی، یک کشـمکش و جنگ داخلی را به پایان برسـانیم، قضیه مهمی است. معتقدم که جامعه ملل و سـازمان ملل هم باید روی قضیه اسراییل همین‌گونه دسـت بگذارند و وارد عمل شوند و به نظر من امکان‌پذیر است. این نظر من و همفکران من در ایتالیاسـت ولی در اینجا جناح راستی هم وجود دارد که نگاهی متفاوت دارد.

در حالت کلی مضمون سوال شما این بود که در حقیقت کشورهای غربی معیارهای دوگانه‌ای دارند. بله، واقعا هم همین است اما باید با آن پیکار کنیم و آن را تقلیل دهیم و نباید معیارهای دوگانه زمینه‌ای برای منافع دیکتاتورها فراهم آورد اگر آمریکا درخواست فلسطین را وتو کند عواقبی خواهد داشت و دوباره همه چیز شروع می‌شود. سیاست‌ها باید خیلی دقیق باشد

اکنـون در سـازمان ملـل کشـورهایی مثل آمریکا می‌توانند درخواست فلسطینی‌ها را وتو کنند، اما به‌خوبی می‌دانند که در اقلیت قرار گرفته‌اند، بـه هر حال فکر می‌کنم بهتر است که استقلال فلسطین از طریق مذاکرات بین‌المللی انجام شود. باید شرایطی فراهم شود تا دو طرف بتوانند به توافقات سیاسی دست یابند، زیرا این وضعیت بسیار اسفبار است.

◄ شـما و همفکران‌تان در سـنا و پارلمـان در این خصوص نقدی به دولت و چنین رویکردی داشتید؟

البته همین چیزهایی را که اینجا گفتم در سنا و دیگر جاها گفته و می‌گویم. انتقادهایی است که بالاخره وجود دارد و بیان می‌شود.

◄ هـم اکنـون در برخی کشـورهای عربی شـاهد خیزش‌هایـی بـرای تغییـر حکومت‌هـا و برقـراری دموکراسـی هسـتیم. در سـوریه، یمن و بحرین. اما غربی‌ها بیش از همه روی سوریه تمرکز کرده و بحرین را فراموش کرده‌اند، این‌طور نیست؟ گویا حقوق بشر موضوعی جغرافیایی شده است.

نه، این‌گونه نیسـت؛ من همین هفته پیش دیداری داشـتم با هیاتی از مخالفان دولت بحرین، در کمیسیون حقوق بشر در سنای ایتالیا. این دیدار پیش از دیدار ما با گروه‌های مخالف دولت سـوریه بود. می‌خواهم زمانی که راجع به مسایل ایران به بحث و گفت‌وگو می‌نشینیم به من نگویند چرا درخصوص بحرین موضع نگرفتید و سکوت کردید؟ برای همین من سریعا آنها را به حضور پذیرفتم. ما می‌دانیم مشکل از عربستان سعودی است.

◄ و زمانی که عربستان، بحرین را اشغال نظامی کرد غربی‌ها اعتراض موثری نکردند.

بله، می‌دانم... بحرین موضوعی است که باید روی آن بیـش از اینها تمرکز کرد. اما قضیه عربسـتان، می‌دانیم اخیرا هشت بنگلادشی را گردن زد. وقتی غرب و آمریکا می‌گویند می‌خواهیم علیه تروریسم مبارزه کنیم و در عین حال با عربستان دارای روابط گسترده هستند درحالی‌که بسـیاری از تروریسـت‌ها از همین کشـور می‌آیند؛ این مشکلی است که باید با آن مقابله کرد.

◄ پس شما منتقد حمایت‌های ویژه ایالات متحده از عربستان‌هستید؟

بلـه، من می‌دانـم و تناقض‌هـای موجـود در میان سیاسـت‌های غرب را می‌بینم، من سـخنرانی اوباما در دانشـگاه قاهره را در خاطر دارم و بـه آن دقت کردم. در مراکش، مصر، تونس، سـوریه و... که میلیون‌ها نفر برای اولین بار به خیابان‌ها آمدند اما پرچم‌های آمریکا و اسراییل را به آتش نکشیدند؛ این یک مساله تازه و نو بود. آن‌کس که باید تامل بیشـتری در این خصـوص کند این کار را می‌کند و متوجه می‌شـود. افرادی کـه در این تظاهرات شـرکت می‌کردند و فعال بودند به دولت‌های غربی نگاه نمی‌کردند و بیشـتر جامعه را می‌دیدند؛ با جامعه نقطه تلاقی بیشتری پیدا می‌کردند تا دولت‌های خارجی.

آنها بخـش عمـده مشـکلات را درون جامعه خود می‌دیدند، در هفته‌های بعد اما پرچم‌های اسراییل و آمریکا به آتش کشیده شد که این موضوع به دلیل سیاست‌های غلطی اسـت که دنبال می‌شـود. اگر آمریکا درخواست فلسـطین را وتو کند عواقبی خواهد داشت و دوباره همه چیز شروع می‌شود. سیاست‌ها باید خیلی دقیق باشد.

در حالت کلی مضمون سـوال شـما ایـن بود که در حقیقت کشورهای غربی معیارهای دوگانه‌ای دارند. بله، واقعا هم همین اسـت اما باید بـا آن پیکار کنیم و آن را تقلیل دهیم و نباید معیارهای دوگانه، زمینه‌ای برای منافع دیکتاتورها فراهم آورد.

◄ درباره ایران هم سـوالی داشـتم. در ایران با وجود همه اختلاف سـلیقه‌های سیاسـی بسـیاری در این موضـوع هم‌نظر هسـتند که تحریم‌ها فشـار خود را بر مردم آورده، در ایران هر سـال یکی، دو هواپیمای مسافربری سـقوط می‌کند و بسـیاری از شهروندان بی‌گنـاه ایرانی قربانی این تحریم‌ها می‌شـود، چطور می‌شود باور کرد که منظور این تحریم‌ها تنها فشار بر دولت است؟

من فکر می‌کنم که درخصوص انرژی هسته‌ای، ایران باید به کنوانسـیون‌های بین‌المللی احتـرام بگذارد؛ باید بدانیم که این بیانیه جدید برای کنترل بر پایگاه‌های خود را می‌پذیرد یا نه؛ اگر ایران به این شـرایط احترام بگذارد می‌تواند از این حق استفاده کند. من فکر کنم اشتباهی در سـال‌های اخیر صورت گرفته و آن تمرکز روی قضیه انرژی هسـته‌ای ایران است. این تمرکز ویژه و زیاد باعث شـده تا ارزیابی روابط ایـران با جوامع بین‌المللی فقط و فقط برگرفته از چنین تمرکزی باشد و نمی‌توان معیارهای سنجش درستی از سـایر روابط ایران در اختیار داشت و این کشـور را فقط با فعالیت‌های هسـته‌ای‌اش می‌توان محک زد.

◄ من تنها درخصوص برخی تحریم‌ها پرسـیدم و نه روابط ایران با دولت‌های دیگر. درخصوص تحریم‌هایی که از شهروندان ایرانی قربانی می‌گیرد.

تحریم‌ها هرگـز در جهان موثر نبوده‌اند؛ تنها یک بار موفق شدند و آن در آفریقای جنوبی بود. این تحریم‌ها باعث شدند که دولت آپارتایدی آفریقای جنوبی از پای درآید. من فکر می‌کنم اشـتباه غرب این است که می‌خواهد از دموکراسی در ایران حمایت کند اما بدون توجه به نظرات داخلی ایرانیان و تحول‌خواهان ایرانی. نه تنها در ایران بلکه در هر کشوری باید نظر دموکراسی‌خواهان پرسیده شود؛ متاسفانه این چیزی است که دقیقا اجرا نمی‌شود. به نظرم ایـن موضوع حتی نیازی به سـوال کردن ندارد. من فکر نمی‌کنم در مورد سقوط هواپیماهای غیرنظامی ایران بین دولت ایران و اپوزیسـیون آن تفاوتی باشـد. شکی ندارم. حقیقت آن است که من سـوال را می‌دانم اما به راستی پاسخ آن را نمی‌دانم.

نیم نگاه

پاکی‌های دنیا را آلودیم

مهدی چابکی
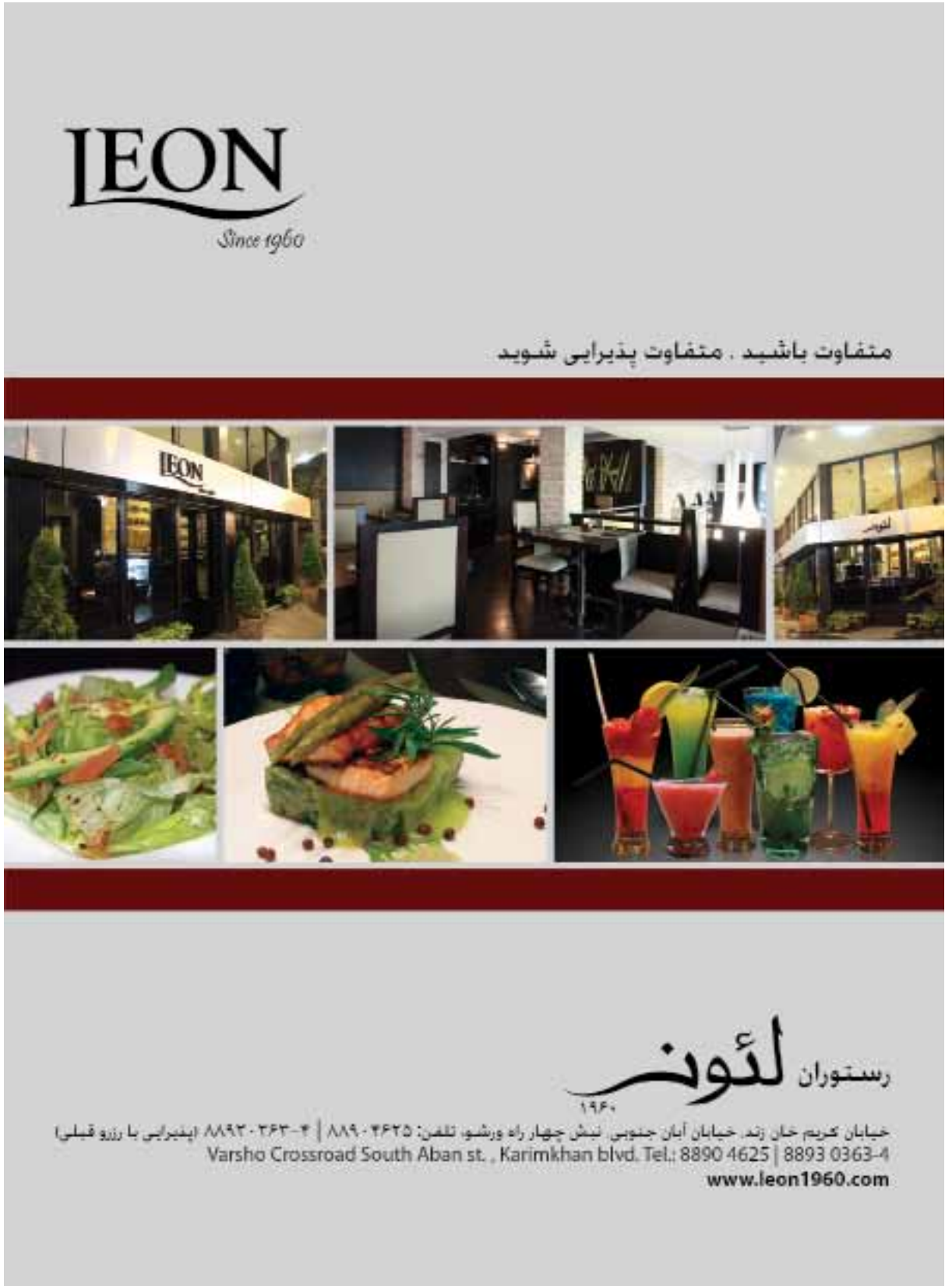
■ سـازمان ملل، یک نهاد بین‌المللی است که وظیفه حفظ صلـح و امنیت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم را برعهده دارد و مقر آن در نیویورک اسـت. این سـازمان، دارای تشکیلاتی رسمی است که متشکل از نمایندگان دولت‌ها بوده و مردم و نهادهای مدنی، چه به صورت واقعی یا مجازی، چه در سطح ملی یا بین‌المللی، در شکل‌گیری و تصمیم‌گیری‌های این سازمان بین‌المللی نقشی ندارند. این سـازمان در شرایط تاریخی، سیاسی ویژه‌ای، پس از جنگ جهانی دوم و متناسب با برنامه‌های هماهنگ با آن دوران بوده که پاسخگوی نیازها و مطالبات تغییریافته و تحولات روز افزون این دوران نیست. شکل‌گیری و بنیان نهادن یک سازمان بین‌المللی مردم نهاد و جهانشمول که بازتاب‌دهنده منافـع و مصلحت میلیاردها جمعیت کره زمیـن، ضروری و گریزناپذیر اسـت، که در عالم واقعیت و در شـرایط موجود و در چارچوب تعادل قوای سیاسی نظامی و اقتصادی امروزین، تحقق آن بسیار بعید به‌نظر می‌رسـد اما در فضـای مجازی، بنانهادن یک سـازمان ملل مجازی و مردمی وجود دارد. سـازمان ملل مجازی، شـاید عنوان دهن‌پرکن و غلط‌اندازی باشـد، اما باید در نظر گرفت خطر بزرگی صلح و امنیت و محیط زیسـت را تهدید می‌کند. این تهدید آنچنان عظیم و گسـترده و مهیب است که اسـتفاده از همه راه‌ها و فضاها و ابزارها، اعـم از واقعی یا مجازی، چه در سـطح بومی و محلی یا در سـطح ملی و بین‌المللـی، گریزناپذیر می‌کند. وجود زرادخانه‌های اتمی با قدرت تخریب و انهدام چندین باره کره زمین و دیگر تاسیسـات اتمی به‌شدت آسیب‌پذیر و آسیب‌رسان و موشک‌های قاره‌پیما و بالستیک، بمب‌های هیدروژنی و نوترونی، سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و... که صلح را تهدید می‌کند. روزگاری آلبرت اینشتین گفته بود: «من نمی‌دانم بشـر با چه سلاح‌هایی جنگ جهانی سوم را به پایان می‌رساند اما می‌دانم جنگ جهانی چهارم با سلاح‌های سـنگ و چوب انجام می‌شـود.» از طرفی آلودگی بسیار زیانبار و نگران‌کننده هوا، که در اکثر نقاط کره زمین به سطح و درجه بحرانی و خطرناک رسیده و باعث شکاف لایه اوزون و همچنین افزایش متوسط دمای کره زمین و پدیده وارونگی هوا و آب شدن یخچال‌ها در قطب‌ها و بالا آمدن سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها و به‌راه افتادن توفان‌ها، سونامی‌ها، سیلاب‌ها و شدت یافتن درجه تخریب این بلایا، محیط زیسـت سالم و انسانی و فارغ از دغدغه را تهدید می‌کند. در حالی که در فضای عینی و واقعی امکان تغییر و تحولات در سازمان ملل فراهم نیست شـاید در فضای مجازی با عنوان «سازمان ملل مجازی» خواسته‌های ملت‌ها را به گوش دولتمردان رساند.